

[عباسعلی مردی]

حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی از علمای قرن هشتم است. صاحب *روضات* و آقا بزرگ او را معاصر *فخر المحققین* (م ۷۷۱ق) و شهید اول (م ۷۸۶ق) ذکر کرده‌اند. او در کتب خود از کتابهای علامه حلی (م ۷۲۶ق) نقل کرده و ابن فهد حلی (م ۸۴۱ق) از کتب او نقل می‌کند.

سه کتاب از وی تاکنون به چاپ رسیده است: *ارشاد القلوب*، *أعلام الدین* و *غرر الأخبار*. *غرر الأخبار* و درر آثار *فی مناقب أبی الأئمة الأطهار* همچنان که از نامش پیداست در مناقب و فضایل امیر المؤمنین و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نگاشته شده است.

مؤلف در مقدمه ضمن نقل سه روایت در فضیلت حفظ چهل حدیث و نقل دو روایت «إِنَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَضَائِلَ لَا تُحْصَى...» و «النَّظَرُ فِي وَجْهِ عَلِيِّ عِبَادَةَ...» انگیزه خود را از نوشتن کتاب این‌گونه بیان می‌کند که آنهمه روایات مرا تحریک و ترغیب کرد تا بخشی از فضائل امیر المؤمنین را که به شماره در نمی‌آید در این کتاب جمع آورم بلکه نزد خدای تعالی وسیله نجاتی برایم باشد و خدمتی به رسول خدا و امیر المؤمنین کرده باشم و روزی که منادی در روز قیامت خدمتگزاران آن حضرات را از دیگران جدا می‌کند من هم در میان آنان قرار گیرم.

سپس بیان می‌کند که در نقل روایات کتاب، ملتزم به نقل اسناد حدیث نبوده است؛ چرا که آن احادیث نزد علما مشهور و در کتبشان مذکور است؛ این امر به دلیل ضیق وقت و اجتناب از طولانی شدن کتاب انجام گرفته است. در متن کتاب بیماری را نیز به این دلایل افزوده است.

مؤلف گفته که این کتاب در پنجاه فصل تدوین شده و فصل اول و دوم کتاب را به فضیلت علم و علما و آداب تعلیم و تعلم اختصاص داده است. علی رغم اینکه مصنف در مقدمه به تدوین کتاب در پنجاه فصل اشاره کرده نسخه‌های خطی موجود بیش از ۳۵ فصل را در بر ندارد و چه بسا ممکن است که بخشی از کتاب از بین رفته باشد.

دوستی رسول خدا امیر المؤمنین را، برخی از مناقب منفرد امیر المؤمنین، آنچه از آیات قرآن

که در حق امیر المؤمنین و ائمه اطهار نازل شده، روز غدیر و نص ولایت امیر المؤمنین، علامات امام معصوم، شهادت ۱۲ نفر از صحابه در حق امیر المؤمنین نزد خلیفه اول، ویژگی‌هایی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و بسیاری مطالب مفید دیگر را می‌توان در این کتاب خواند.

ابن فهد حلی (۸۴۱ ق) از معاصرین دیلمی در *عدة الداعی* از *غرر الأخبار* نقل کرده است. انتشارات دلیل ما این کتاب را با تصحیح اسماعیل الضیغم الهمدانی تحت اشراف کتابخانه علامه مجلسی در سال ۱۴۲۷ق / ۱۳۸۵ش چاپ کرده است.

یکی از مواردی که از نگاه کتابشناختی بر ارزش کتاب می‌افزاید نقل پاره‌هایی از دو کتاب مفقود در این کتاب است. دیلمی فصل ۲۱ و ۲۲ کتاب خویش را به نقل از دو کتاب *نزهة السامع* و *کتاب السقیفة* - که از هیچکدام اثری جز در این کتاب نیست - اختصاص داده و در پایان اشاره می‌کند که بیماری و ضیق وقت اجازه نداده است که وی بیش از این از این گونه کتب نقل کند.

۱- نزهة السامع الملقب بالمحبوبی

علامه شیخ آقا بزرگ در معرفی *نزهة السامع* تنها به *غرر الأخبار* استناد می‌کند و مطلب دیگری ندارد. دیلمی در عنوان این بخش از کتاب می‌گوید: «یتضمّن کلام الوافدین من بنی هاشم لمعاویة» و حدود ۲۰ صفحه (فصل ۲۱، ص ۲۵۸-۲۷۶) از کتاب خود را به *نزهة السامع* اختصاص داده است. موضوع مطالب نقل شده مطاعن و فضایح معاویه است که فهرستی از آن بدین قرار است:

نقل خطبة امیر المؤمنین علیه السلام بعد از فریب ابوموسی اشعری توسط عمروعاص در ماجرای حکمیت؛ گفتگوی ابو مرقع همدانی با معاویه و تأکیدش بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام؛ گفتگوی ابو طفیل کنانی با معاویه و طعن‌اش بر معاویه در خونخواهی عثمان و نقل رجزهای ابو طفیل در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام و در ادامه بیان سابقه مادر عمروعاص از زبان ابو طفیل و تأکید ابو طفیل بر این نکته که علی را دشمن نمی‌دارد مگر کسی که چنین اصل و نسبی دارد؛ وصف معاویه از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ سؤال معاویه از کریم‌ترین مردم از لحاظ پدر و مادر و عمو و عمه و خاله و دایی و پاسخ مالک بن عجلان به وی با گرفتن دست

امام حسن علیه السلام و معرفی‌اش نزد معاویه؛ خروج باد شکم معاویه در منبر و توجیه آن و پاسخ صعصعه بن صوحان به وی؛ طعنهٔ احنف بن قیس به معاویه دربارهٔ برادرش و مقایسهٔ آن دو با برادری رسول خدا برای امیر المؤمنین علیه السلام؛ دو گفتگوی معاویه با ابن عباس؛ طعنهٔ معاویه به ابن عباس دربارهٔ حفظ برادری و پاسخ ابن عباس به وی و اشاره به برادر کشی‌های معاویه؛ نقل تهدید معاویه و پاسخ عمار یاسر به وی؛ نقل چگونگی نجات جان عمروعاص هنگامی که در شمشیر امیر المؤمنین علیه السلام گرفتار شد؛ ادعای معاویه بر تنفیذ رسول خدا بر امارتش؛ فخر فروشی معاویه به بنی هاشم و پاسخ ابن عباس به وی در غضب خلافت؛ و سخن عقیل به معاویه.

۲- کتاب السقیفة ابو صالح السلیل

ماجرای سقیفه در صدر اسلام، موضوع و عنوان کتب بسیاری گشته است. از آن میان می‌توان کتاب السقیفة ابراهیم بن محمد ثقفی، کتاب السقیفة و فدک ابوبکر احمد بن عبد العزیز جوهری، کتاب السقیفة سلیم بن قیس هلالی، و کتاب السقیفة ابوصالح سلیل بن احمد بن عیسی را بر شمرد.

کتابهای سقیفه‌ای که قدماً نوشته‌اند معمولاً از بین رفته‌اند و تنها می‌توان اثری از آنها را در لابلاهای کتب پیشین یافت. یکی از این موارد، روایاتی است که در کتاب غرر الأخبار از کتاب السقیفة ابو صالح السلیل بن احمد بن عیسی بن شیخ الحاسبین (الفصل الثانی والعشرون فی نظیر هذا مما نقله عن کتاب السقیفة) نقل شده است.

ابو صالح سلیل ظاهراً از علمای اهل سنت در دیار بکر بوده که از علمای شیعه هم نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن طاووس، ۲۷۳). کتاب فتن هم داشته که سید بن طاووس تمام آن را در کتاب ملاحم نقل کرده است (النریعه، ۲۰۶/۱۲).

آنچه که از کتاب السقیفة وی در غرر الأخبار (فصل ۲۲، ص ۲۷۷-۲۸۷) نقل شده نزدیک به ده صفحه از حجم کتاب را شامل است. دیلمی دو بار به نام و کتاب وی تصریح می‌کند و روایاتی را با موضوعات زیر از این کتاب نقل می‌کند:

روایاتی دربارهٔ عکس العمل سلمان به ماجرای سقیفه از جمله: حب و بغض عبد الله بن عمر نسبت به سلمان؛ نقل جمله فارسی سلمان (کرداد و نکرداد) بعد از بیعت سقیفه؛ خطبهٔ

سلمان بر کسانی که صحابه رسول خدا را نام بردند اما از امیرالمؤمنین علیه السلام نامی به میان نیاوردند؛ واقعه آتش زدن در خانه فاطمه علیها السلام برای بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ برخورد ابوذر با بیعت ابوبکر؛ گریه اطفال حضرت زهرا علیها السلام به هنگام ورود عمر بن خطاب به خانه آن حضرت و سخن زشت خالد بن ولید به اسماء و اعتراض رفاعه بن رافع به وی؛ سخن امام حسن علیه السلام به عمرو عاص در مجلس معاویه.